

بررسی، تحلیل و نقد کتاب الگوهای ارزیابی ترجمه، با تکیه بر زبان عربی

عسگر بابازاده^۱

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶، نوع مقاله: موردی)

چکیده

اندیشه نقد و نقد اندیشه به یونان باستان و بوطیقای ارسطو می‌رسد. نقد بر آن است تا ذوق عامه را تهذیب و فکر نویسنده را تربیت کند. در این میان نقد کتاب‌های درسی هم می‌تواند به تقویت کیفی محتوا و هم به زیبایی شکل اثر منجر شود. بر این اساس به بررسی، تحلیل و نقد شکلی و محتوایی کتاب الگوهای ارزیابی ترجمه، با تکیه بر زبان عربی براساس روش تحلیلی - توصیفی پرداخته شد. نتایج بررسی نشان داد که کتاب حاضر دارای نکات قوتی از جمله پیشگامی در موضوع مورد بررسی، ارائه نظریات مختلف و جدید در حیطه نقد و تحلیل ترجمه، استفاده از نظرات جدید ترجمه پژوهی و کثرت منابع تخصصی در حوزه نقد ترجمه است. بُعد آموزشی کتاب قوی و میزان توجه به معیارهای آموزشی و بعد پژوهشی آن نیز مطلوب است و توان استنادی مقبولی دارد. اما در عین حال دارای نکات ضعیفی از جمله: طرح جلد نامناسب و عدم رعایت معیارهای طراحی در جلد، صفحه‌آرایی ضعیف و درجه خوانایی پایین، عدم وحدت رویه در ارائه مطالب، عدم توجه به سابقه معلوماتی و دانش پیشینی مخاطبان، تناسب اندک عنوان با محتوا، تحلیل‌های ناکافی و حضور کم مؤلف در متن و مقوله محتوا و نگاه آموزشی نقد ترجمه با الگوهای نقد ذکر شده در کتاب است.

واژه‌های کلیدی: ترجمه، نقد، الگوهای ارزیابی ترجمه، شهریار نیازی، زینب قاسمی اصل.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم قرآنی خوی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران،

(babazadeh@quran.ac.ir)

University Textbooks; Research and Writing
Vol. 25, No. 49, Autumn & Winter 2021, 199-219
DOI: 10.30487/rwab.2022.544216.1482
DOR: 20.1001.1.26767503.1400.25.49.12.3

Review, analysis and critique of the book "Translation Evaluation Models, Based on Arabic Language"

Asgar Babazadeh Aghdam¹

Received: 04/12/2021, Accepted: 07/03/2022

Abstract

The idea of critique and critique of thought dates back to ancient Greece and Aristotle's Poetics, critique is intended to refine public taste and train the writer's mind. Hence textbook critique can both strengthen the quality of the content and the beauty of the work. The form and content of the book "Translation Evaluation Models, Based on Arabic Language" were reviewed, analyzed and critiqued based on the analytical-descriptive method. The results of the study showed that the present book has strengths such as pioneering in the subject under study, presenting different and new theories in the field of translation criticism and analysis, using new ideas of translation research and the multiplicity of specialized resources in the field of translation criticism. The educational dimension of the book is strong and the level of attention to its educational and research criteria is also desirable and it has an acceptable citation power. Not having unity of procedure in presenting the content, not paying attention to the information background and prior knowledge of the audience, low relevance of the title to the content, insufficient analysis and low presence of the author in the text and content and educational view of translation criticism with the criticism models mentioned in the book.

Keywords: criticism, translation, ; Shahriar Niazi, translation evaluation models, Zeinab Ghasemi Asl

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Khoy Faculty of Quranic Sciences, Holy Quran University of Science and Education, Qom, Iran, (babazadeh@quran.ac.ir)

مقدمه

علم و عمل در تمام حوزه‌های دانش بشر رابطه‌های دوسویه دارند. چنانچه عمل و عمل را در حوزه ترجمه تعریف کنیم و به بیان هستی و چیستی آن‌ها پردازیم و تلاش کنیم هر دو را در یک راستا قرار دهیم به پدیده‌ای می‌رسیم که به‌ویژه در نیم قرن اخیر تحت عناوینی از قبیل مطالعات ترجمه، ترجمه‌شناسی و علم ترجمه از زوایای گوناگون و با نگرش‌های متفاوت مورد بررسی متخصصان رشته‌های گوناگون قرار گرفته است. با بررسی ترجمه و ترجمه کردن از طریق تکیه بر پژوهش‌های نظام‌مند و جمع‌آوری داده‌های قابل استفاده و بحث آن‌ها در حوزه ترجمه‌شناسی قادریم به تشریح، تحلیل و اظهار نظر یا نظریه‌پردازی در مورد تمام آنچه به نوعی در فرایند ترجمه دخالت دارد، پردازیم و ابعاد عملی و نظری ترجمه را هرچه بیشتر و گسترده‌تر نوآوران و اکاوی کنیم و فرایند ترجمه را در جهت کمی و کیفی، تسریع یا بهبود ببخشیم. دست یافتن به این مهم، مستلزم آشنایی با نظرها و نظریه‌هایی است که یا از سوی مترجمان در حوزه عمل یا از سوی متخصصان در حوزه نظر، با خاستگاه‌ها و اهداف گوناگون عنوان شده است.

در سال‌های اخیر، با گسترش فضای آموزش عالی و مراکز دانشگاهی و تأسیس رشته مترجمی زبان عربی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، استادان و مدرسان این مراکز و رشته‌ها، کمر همت به تألیف آثاری به فراخور نیاز دانشجویان این رشته‌ها بسته و تألیفاتی عرضه داشته‌اند. از سویی دیگر، لزوم نگارش آثاری منطبق با اهداف و ماهیت مراکز و رشته‌های آکادمیک، صاحب نظران و دست‌اندرکاران این مراکز را بر آن داشته که آثاری تألیف شوند که متناسب با نیازهای مخاطبان و زمینه‌ساز تولید و پاسخ‌گویی سؤالات و نیازهای مطرح در این زمینه باشند. بنابراین گفتار حاضر با ملاحظه این ضرورت و اهداف مذکور بر آن شده یکی از آثار مهم و به نوعی پیشگام در حوزه بررسی و تحلیل ترجمه را از منظر اصول و روش‌شناسی تألیف کتب دانشگاهی به بررسی و نقد بنشیند. همچنین بر آن است تا به این سؤالات پاسخ گوید: ۱) مهم‌ترین محاسن و معایب شکلی و محتوایی کتاب الگوهای ارزیابی ترجمه، با تکیه بر زبان عربی کدام است؟ ۲) تا چه اندازه کتاب حاضر می‌تواند انتظارات دانشجویان مقطع ارشد و دکتری مترجمی زبان عربی را برآورده کند؟

کتاب پیش رو با عنوان الگوهای ارزیابی ترجمه، با تکیه بر زبان عربی اثر شهریار

نیازی و زینب قاسمی اصل^۱ شامل ۲۳۶ صفحه از انتشارات دانشگاه تهران است که در سال ۱۳۹۷ برای اولین بار به زیور طبع آراسته شد. این کتاب دارای مقدمه و ۱۵ درس به علاوه جمع بندی و قسمت منابع و واژه نامه است. در درس اول و دوم روند پیدایش و توسعه مطالعات ترجمه و مسائلی درباره ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است و از درس سوم تا درس پانزدهم، نظریه های ترجمه آنتوان برمن، پل گرایس، مایکل هالیدی و رقیه حسن، ژان رنه لادمیرال، پیتر نیومارک، جولیان هاوس، کارمن گارسس، باسل حاتم وان میسون، یوجین نایدا، ژان پل وینی و داربلنه، گیدئون توری و کاترینا رایس مورد مذاقه واقع شده است. در درس آخر هم به جمع بندی مباحث پیشین پرداخته شده است. بنا به اذعان نویسندگان کتاب حاضر، دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مطالعات ترجمه عربی، گروه هدف این کتاب هستند، به همین دلیل نوشتار حاضر به گونه ای تنظیم شده است تا به عنوان کتاب درسی و همچنین در مقام یک کتاب پایه، مورد استفاده پژوهشگران، استادان و مترجمان حرفه ای قرار گیرد (نک، مقدمه، ۱۳۹۷)

پیشینه تحقیق

علی رغم اینکه مبحث ترجمه قدمتی طولانی در زندگی بشر داشته و پیشینه آن به اولین برخوردها میان انسان ها با دو زبان متفاوت برمی گردد، اما این پدیده به عنوان یک علم سابقه ای نه چندان طولانی دارد ولی باز با وجود این بحث ها و تبادل آرا و افکار در این عرصه بسیار زیاد است و نویسنده گفتار حاضر معتقد است هنوز جای پژوهش های بسیاری در این عرصه خالی بوده و در رابطه با موضوع مقاله حاضر که بررسی و نقد کتاب *الگوهای ارزیابی ترجمه، با تکیه بر زبان عربی* است تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است.

۱. شهریار نیازی دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات عربی و از اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران است. از مهم ترین کتاب های وی می توان به *مطالعه تاریخی معنایی درباره الاسماء الحسنی انتشارات دانشگاه تهران، تراژدی ابلیس انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و تحلیل زبان شناختی متون عربی و نگاهی جامع به لهجه سوری* اشاره کرد. از کتب ترجمه ای وی می توان *زبان شناسی زایشی - گشتاری در دستور زبان عربی و آشنایی زدایی از منظر پژوهش های سبک شناختی* را نام برد (نک: <https://rtis2.ut.ac.ir/cv/shniazi/#activity-18>). زینب قاسمی اصل نیز فارغ التحصیل دکتری زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران است و علاوه بر کتاب حاضر، در نگارش کتاب *تحلیل زبان شناختی متون عربی و نگارش چندین مقاله علمی* با شهریار نیازی همکاری داشته است. (<https://www.magiran.com/author/profile/>، ۴۴۱۷۸۴).

یافته‌های پژوهش

ارزیابی ساختاری کتاب الگوهای ارزیابی ترجمه، با تکیه بر زبان عربی ساختار کتاب‌های درسی دانشگاهی با توجه به اهداف آموزشی و نوع درس می‌تواند متفاوت باشد. داشتن ساختار مناسب، تأثیر زیادی در جذابیت کتاب برای خواننده و نقش مهمی در یادگیری دارد (رضی، ۱۳۸۸، ص ۲۷). بنابراین ظاهر بیرونی کتاب، ساختار مناسب و فکورانه، عنوان، فهرست مطالب و حجم آن‌ها، سبک و زبان مناسب، صفحه‌آرایی، پاورقی‌ها و خاتمه‌نویسی، در یادگیری و کاربست محتوای اثر تأثیر فراوانی دارد (زارع برمی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۰).

طرح جلد

با توجه به اینکه عده زیادی از افراد کتاب را براساس جلد آن قضاوت می‌کنند و به نوعی اولین راه ارتباطی نویسنده با خواننده است دارای اهمیت فراوانی است. تصاویر و فونت انتخاب شده در جلد باید بهترین کیفیت را داشته باشد و در سریع‌ترین زمان ممکن با مخاطب ارتباط برقرار کند. رنگ‌بندی طرح روی جلد نیز باید به گونه‌ای انتخاب شود که عنوان در آن بیشتر به چشم آید. در طراحی روی جلد کتاب می‌توان از روش اسرارآمیز بودن استفاده کرد. بدین معنی که ذهن بیننده کتاب را مشغول و مشتاق به خواندن کتاب کند (غلامعلی پورزندی، ۱۳۹۹، ص ۳۸). طرح جلد کتاب الگوهای ارزیابی ترجمه خالی از علائم و تصاویر بوده و از ترکیب دو رنگ زرد آمیخته به سبز روشن در قسمت بالایی و سیاه در قسمت پایینی تشکیل شده که به وسیله خط قرمز رنگی از هم جدا شده‌اند. نوع رنگ به کار رفته در طرح جلد بایستی با محتوای اثر مرتبط باشد؛ مثلاً اگر کتابی با موضوع بورس و اقتصاد باشد بایستی از رنگ قرمز در آن استفاده کرد یا اگر کتابی با موضوع ادبیات مقاومت است معمولاً از رنگ قرمز در آن استفاده شود (همان، ص ۳۹). از این رو به نظر می‌رسد رنگ زرد به دلیل داشتن مفهوم اعتبار و دانش و دوستانه و گرم بودن، با محتوای اثر ارتباط برقرار نکرده و بهتر بود در طرح جلد کتاب از رنگ آبی که به مفهوم اعتماد و آرامش و تفکر است و در فرهنگ اسلامی، رنگ مقدسی بوده و از احترام خاصی برخوردار است استفاده می‌شد (علی اکبرزاده، ۱۳۷۵، ص ۶۳). برای مثال رنگ سبز که به مفهوم زندگی و حیات است جایگزین خوبی برای رنگ جلد این کتاب می‌توانست باشد.

ناگفته نماند رنگ سیاه که اغلب فضای طرح جلد این کتاب را به خود اختصاص داده، به سبب دارا بودن مفهوم کنترل و قدرت توانسته تا حدود زیادی با مفهوم و محتوای کتاب ارتباط ایجاد کند، اما قسمت بالایی کتاب که به رنگ زرد و سبز درآمده خالی و بدون نوشته‌ای باقی مانده و می‌توانست با جای دادن نوشته و عبارتی مربوط به نقد و ارزیابی، مثلاً نوشتن دو جمله از ترجمه‌های صحیح و نادرست مربوط به جمله‌ای دیگر، تصویر بهتری به ظاهر کتاب بدهد.

نوع قلم به کار رفته در عبارت عنوان هم کالیبری است و کاربرد آن در عناوین کتب دانشگاهی مرسوم نیست، چراکه معمولاً در عنوان کتاب‌ها در طرح جلد از قلم‌های بی‌زر، بی‌نازنین و بی‌لوتوس استفاده می‌شود.

عنوان کتاب

عنوان هر اثر جلوه‌ای از هویت آن و فشرده‌ای منضبط از محتوای آن است (حرّی، ۱۳۷۸، ص ۱۰). هر چند عنوان یک پژوهش از کلماتی محدود تشکیل می‌شود، اما این کلمات در جلب نظر و توجه و حتی در میزان یادگیری و فروش اثر تأثیرگذار است. صاحب‌نظران اصولی را برای انتخاب عنوان برشمرده‌اند که شامل جزئی بودن، گویایی، اختصار، دقت و جذابیت است (خاکی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). در عنوان بایستی از آوردن واژه‌های «بررسی...»، «تحقیق درباره...»، «مطالعه...» و... تا حد امکان خودداری کرد، زیرا پژوهشی که انجام می‌شود خود بررسی و مطالعه علمی موضوع است (فتوحی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳). با نگاه به عنوان کتاب *الگوهای ارزیابی ترجمه... پیداست که نویسنده تلاش کرده تا جذابیت و طرح نو موضوع موردبررسی خود را نشان دهد. لیکن به نظر می‌رسد استفاده از واژه «الگو» در عنوان کتاب، بجا نیست، زیرا نظریه‌هایی که موردبررسی قرار گرفته‌اند، صاحبان آن‌ها نظریه‌های خود را مشخصاً به عنوان فرمولی برای ارزیابی ترجمه ارائه نداده‌اند و باید توجه داشت نظرات آنان تحقیقات زبان‌شناختی‌شان است که استفاده از آن‌ها به عنوان یکی از راه‌های ارزیابی ترجمه می‌تواند مفید باشد. بنابراین به نظر می‌رسد کاربرد «نظریه‌ها» به جای «الگو» مناسب‌تر باشد. کوتاه کردن عنوان از جمله نکات مثبت در طرح جلد است که مؤلفان کتاب با انتخاب قلم کوچک‌تر در «با تکیه بر زبان عربی» به خوبی به این مهم واقف بوده‌اند.*

صفحه‌آرایی و زبان نگارش

بی‌تردید بخش عمده‌ای از موفقیت هر اثر مدیون شفافیت، سادگی و سلاست نثری است که برای انتقال مفاهیم آن انتخاب شده است. نشر یک کتاب کارآمد و اثربخش باید خواننده را به مطالعه ترغیب کند و با کم‌ترین واژگان ممکن بیشترین آگاهی را به او برساند. شیوه نگارش یک کتاب دانشگاهی کارآمد باید به گونه‌ای باشد که خواننده بدون کم‌ترین ابهام به اصل مطلب دست یابد و از اطناب ممل و ایجاز مخمل به دور باشد (منصوریان، ۱۳۹۲، ص ۱۲). زبان نوشتاری کتاب حاضر صریح و گویا، ساده و روان و جملات آن دارای درجه فهم و خوانایی بالایی است. محتوای مطالب آن با آنکه برگرفته از منابع ترجمه‌شده و غیرفارسی است نشانی از ترجمه ندارد و این حاکی از تسلط نویسندگان به محتوا و موضوع اثر است. مهم‌ترین ضعف کتاب در این مورد صفحه‌آرایی آن است. برای مثال پاراگراف‌بندی‌های نابجا و بدون روند منطقی به شکل ظاهری کتاب خلل جدی وارد ساخته است و عدم تناسب در تعداد سطور بین صفحات به لحاظ شکلی با مقایسه صفحات ۲، ۳، ۱۲، ۱۳، ۴۴، ۴۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۲ و ۱۲۳ را می‌توان مشاهده کرد. عدم رعایت وحدت رویه در ذکر نام مترجمان آیات قرآن در صفحات مختلف؛ برای مثال آیات در صفحات ۴۴ و ۴۵ بدون ذکر مترجم، اما در صفحه ۵۲ با ذکر مترجم بوده است.

استفاده از کلمات مبهم در توضیح برخی مؤلفه‌های نظریات ترجمه نظیر: «واسازی» که بهتر بود عبارت «ترک یا عدم رعایت» به کار می‌رفت (نک، نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۴۴).

عبارت‌ها و موضوعات مربوط به هم در این اثر جدا از هم و در قالب پاراگراف‌هایی مجزا آمده است. برای مثال در صفحه ۳ پاراگراف دوم و سوم یک موضوع واحد تلقی می‌شوند و جدا کردن این دو از هم صحیح نیست. در صفحه ۵ پاراگراف چهارم و سوم نیز بدون رعایت اصل هم موضوعی از هم جدا آمده‌اند. در صفحه ۹ پاراگراف سوم و دوم نیز همین حالت را دارند. موارد فراوانی از این نقص در سراسر کتاب قابل ذکر است که در این مجال کوتاه گنجایش ندارد.

نمونه دیگر ذکر برخی جدول‌ها به دو زبان فارسی و عربی است. به نظر می‌رسد آوردن جدول‌ها به دو زبان فارسی و عربی جز افزودن بر حجم کتاب تأثیر دیگری ندارد.

برای این مورد می‌توان به جداول صفحات ۶ و ۷ اشاره کرد. عدم وحدت رویه در اعراب‌گذاری متون عربی هم از نواقص صفحه‌آرایی کتاب است. نویسنده کتاب برخی عبارت‌های عربی را با اعراب‌گذاری دقیق ذکر کرده حال آنکه از اعراب‌گذاری برخی دیگر غافل مانده است برای این مورد می‌توان به صفحات ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۱، ۱۹۷، ۱۹۸ و ۱۹۹ اشاره کرد.

یکسانی اندازه و قلم متون عربی و فارسی هم از جمله موارد بدشکلی در آرایش صفحات کتاب است که پیشنهاد می‌شود نویسنده بدان‌ها توجه کند، اما با وجود این تورفتگی‌های ابتدای پاراگراف‌های دوم به بعد در هر صفحه به خوبی اعمال شده است. فاصله بین خطوط ۱/۱۵ سانتی‌متر است. در سرصفحه‌ها نام فصل‌ها و عنوان زیرمجموعه‌ها درج شده است. زیرنویس‌های هر صفحه با قلم ریزتر نوشته شده است. هر صفحه از ۲۴ سطر تشکیل شده که برای کتاب‌های با قطع وزیری مناسب است. تنها نکته‌ای که پیشنهاد می‌شود اینکه اگر آیات شریفه داخل پرانتز گلدار قرار داده می‌شد نمای کتاب زیباتر می‌نمود.

ارزیابی محتوایی کتاب الگوهای ارزیابی ترجمه...

کتاب حاضر در یک مجموعه ۲۳۶ صفحه‌ای شامل یک مقدمه، ۱۳ درس، منابع و واژه‌نامه تدوین یافته است. درس اول: «روند پیدایش و توسعه مطالعات ترجمه»، درس دوم: «مسائلی درباره ترجمه»، درس سوم: «آنتوان برمن»، درس چهارم: «پل گرایس»، درس پنجم: «مایکل هالیدی و رقیه حسن، تحلیل انسجام متن»، درس ششم: «مایکل هالیدی و رقیه حسن، تحلیل ساخت‌گذاری در ترجمه»، درس هفتم: «ژان رنه لادمیرال»، درس هشتم: «پیتر نیومارک»، درس نهم: «جولیان هاوس»، درس دهم: «کارمن گارسس»، درس یازدهم: «باسل حاتم وایان میسون»، درس دوازدهم: «یوجین نایدا»، درس سیزدهم: «ژان پل وینی وداربلنه»، درس چهاردهم: «گیدئون توری»، درس پانزدهم: «کاترینا رایس»، و درس شانزدهم شامل جمع‌بندی مباحث کتاب است.

جامعیت و روزآمدی کتاب

منظور از جامعیت یک اثر آن است که مباحث آن بیشترین پوشش ممکن را در پرداختن به

مباحث و منابع مرتبط با محور بحث خود داشته باشد. هر چند در عمل از هیچ اثری به معنای کامل، نمی‌توان انتظار جامعیت داشت، اما حداقل می‌توان انتظار جامعیت نسبی را از آن داشت. به این معنا که بیشتر مخاطبان اثر، به اغلب مباحث مورد نظر دست یابند (رضی، ۱۳۸۸، ص ۲۲) با توجه به نوپا بودن رشته مطالعات ترجمه عربی در کشور و لزوم تألیف اثری که در آن نظریه‌های ترجمه در قالب یک کتاب گردآوری شده باشد، طرح و تلاش نویسندگان در نوع خود جدید تلقی می‌شود.

محققان حوزه ترجمه زبان عربی عمدتاً برای آشنایی با نظریات ترجمه به منابع و مراجع لاتین مراجعه می‌کردند. از طریق مراجعه به منابع و مقالات لاتین که این نظریه‌ها در آن شرح داده شده‌اند با این نظریات آشنا می‌شدند و همان‌گونه که گفته شد لاتین بودن این منابع کار را برای ایشان دشوار ساخته بود. از این رو تألیف یک اثر به زبان فارسی در نوع خود طرحی نو بوده و گره‌گشای این معضل به حساب می‌آید. نویسندگان در این اثر تلاش کرده‌اند تا مهم‌ترین نظریه‌ها را در اثر خود گردآوری کنند. نگاه به فهرست مطالب کتاب حاکی از آن است که نویسنده تا حدود زیادی توانسته جامعیت نسبی را به دست آورد، اما پرداختن به تعدادی از الگوها از جامعیت اثر کاسته است و الگوهای نظیر کتفورد و ... مورد بررسی قرار نگرفته است. اینکه چرا صرفاً به این الگوها بسنده کرده و الگوهای نظیر کتفورد، لارنس و نوتی، رومن یا کوبسن و آلفرد شوتر و پیرینی در این کتاب ذکر نشده است؟ یا حداقل لازم بود نویسندگان در مقدمه به علل این عدم ذکر اشاره می‌کردند. از این رو به شرط ذکر الگوهای یادشده درجه جامعیت آن بیش از پیش می‌شد.

از دیگر مؤلفه‌های مهم در ارزیابی جامعیت یک اثر، شناسایی و بهره‌مندی مؤلف از مجلات و مؤلفان هسته رشته خود است. در کتاب حاضر از ۱۲۲ منبع فارسی، عربی، اینترنتی و انگلیسی استفاده شده که از این میان ۳۳ مجله فارسی علمی دانشگاهی در حوزه ترجمه و زبان‌شناسی، ۱ کتاب هسته عربی و ۱۵ منبع اصیل انگلیسی بوده است. به نظر می‌رسد اثر حاضر را در یک حد متوسط از لحاظ جامعیت منابع قرار می‌دهد، چرا که محتوای علمی وارداتی کتاب می‌طلبد که از منابع لاتین بسیار بیشتر استفاده شود، اما همین مطالب هم در آشنایی و رفع نیاز محققان در حوزه ترجمه تا حدود زیادی کافی می‌نماید. مؤلفه دیگر در تبیین و ارزیابی جامعیت یک اثر فراتر رفتن آن در مقایسه با آثار

مشابه در زمینه موضوعی است (منصوریان، ۱۳۹۲، ص ۱۰). به جرئت می‌توان گفت که با ملاحظه این مؤلفه کتاب حاضر اولین و جامع‌ترین کتاب در حوزه ارزیابی ترجمه‌ها بر مبنای نظریه‌های ترجمه است و هر چند که نویسندگان می‌توانستند مطالب دیگری هم بدان بیفزایند و آن را غنی‌تر کنند، اما در این حد فعلی هم اثری در حد و اندازه آن فعلاً در کشورمان تألیف نشده است.

توان استنادی کتاب

منظور از توان استنادی یک اثر، این است که مطالب آن چگونه و با چه نوع کیفیت و کمیتی در مقایسه با منابع پیشین با موضوع مشابه، نوشته شده است. البته همان‌طور که می‌دانیم هیچ کتاب یا مقاله‌ای نمی‌تواند در فضایی خالی، ناگهان تولید شود و نویسنده نیز نمی‌تواند تمامیت آن را یکسره متعلق به خود بداند و تمام مطالب را از پیش خود تولید کند، ولی افزودن مطلب و محتوایی تازه به مطالب آثار پیشین انتظاری است که از آثار تألیفی و تحقیقی همیشه مطرح است. و همان‌طور که قبلاً اشاره شد محتوا و رویکرد پژوهش‌های موجود از نویسندگان کتاب حاضر حاکی از وسعت اطلاعاتی و تسلط ایشان به منابع و مدارک موجود در زمینه مباحث زبانی و ترجمه است و همین وسعت اطلاعاتی را در منابع مورد استفاده کتاب خود نشان داده است. استناد به حدود ۲۲۰ منبع در کتاب ۲۳۶ صفحه‌ای در حد مطلوبی است که آثار معتبر در لابه‌لای آن‌ها مشاهده می‌شود و توان و ارزش استنادی کتاب را بالا برده است.

از دیگر مؤلفه‌هایی که در توان استنادی کتاب حاضر تأثیر مثبت داشته، امانت‌داری در استفاده از منابع مختلف آن است. نویسنده ارجاعات و استنادات خود را با نهایت دقت و وسواس انجام داده و اثر خود را در این خاصیت برجسته کرده است. اما یک نمونه از بی‌دقتی از ارجاعات در صفحه ۱۵۶ به نقل از احمدپوری در پاورقی چنین آورده است: پوری، احمد (۱۳۸۳).....صص ۱۰-۱۲، ص ۱۱؛ که چنین ارجاعی صحیح نیست چرا که ارجاع به صورت «صص» به مفهوم برداشت توأم با تلخیص است و در ادامه ذکر «ص ۱۱» از لحاظ روش ارجاع‌دهی صحیح نیست. ارجاع شماره دوم در همین صفحه نیز به همین منوال است که لازم است اصلاح شود (نک، نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶). ارجاعات شماره ۳ و ۲ در صفحات ۱۵۰ و ۱۵۱ نیز همین‌طور.

طرح سؤال‌های جدید و افق‌های تازه

کتاب‌های درسی دانشگاهی نباید فقط وسیله‌ای برای نقل و انتقال دانش به خوانندگان باشد، بلکه باید مطالب آن سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش روی آنان بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنجکاوی و کاوشگری در دانشجویان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می‌یابد (رضی، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

با توجه به موضوع کتاب، ماهیت میان‌رشته‌ای مطالعات ترجمه، شامل ترجمه، ادبیات، زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی و... فرصت مناسبی را برای تجدیدنظر در روش‌های سنتی حوزه ارزیابی ترجمه عربی فراهم آورده است. با مطالعه کتاب حاضر مخاطبان یقیناً به این سؤال خواهند رسید که ترجمه و ارزیابی و نقد آن قطعاً می‌تواند از آنچه قبلاً در این حوزه رایج بوده فراتر است و لازم است با زبان استدلالی و علمی زبان‌شناختی به موضوع ترجمه نگرست و صحت و سقم و کیفیت آن را مورد سنجش قرار داد. هر کدام از نظریه‌های ارزیابی ارائه‌شده در کتاب حاضر می‌تواند در ارزیابی متن‌های فراوانی مورد بهره‌برداری قرار گیرد و موضوع پژوهش‌های فراوانی قرار گیرد و حتی تک تک مؤلفه‌های این نظریه‌ها هم همین‌طور. کتاب حاضر توانسته به مخاطبان این نکته را برساند که باید به جای حفظ و ازبر کردن مطالب به کاوش و تفکر روی بیاورند و خلاقیت خود را در پاسخ به نقاط مبهم و چالش‌ها در ترجمه‌ها به کار گیرند. از این رو پس از شرح مؤلفه‌های نظریه‌ها و ذکر شاهد مثال‌هایی برای هر کدام باعث شده تا خواننده با اهداف و ضرورت‌هایی که از خواندن مباحث قبلی مطرح شده‌اند عنوان و موضوعات پژوهشی دریافت کند.

توان آموزشی کتاب

زمانی که صحبت از نقد کتب درسی می‌شود می‌بایست به این نکته واقف بود که اولین هدف کتب درسی، به‌ویژه کتب درسی دانشگاهی انتقال پیام آموزشی است. بنابراین اگر در نقد کتب درسی دانشگاهی این موضوع نادیده گرفته شود، نقد اثر مورد نظر ابتر مانده و به هدف مطلوب دست نخواهد یافت. به عبارت دیگر در نقد کتب درسی دانشگاهی نمی‌توان و نباید بعد آموزشی آن را نادیده گرفت. (نیلی احمدآبادی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱). در

رعایت اصول ابعاد آموزشی کتب، صاحب نظران نکاتی مطرح کرده‌اند (همان، ص ۲۲۰) که گفتار حاضر تلاش خواهد کرد کاربرست آن‌ها را در کتاب حاضر مورد ملاحظه قرار دهد.

توجه به ویژگی‌های مخاطبان

منظور از ویژگی‌های مخاطبان، از پیش دانسته‌ها یا دانش موجود یادگیرندگان (مخاطبان و کسانی که کتاب برای آن‌ها نگاشته شده) در رابطه با موضوع است. سبک یادگیری مخاطبان، هوش، سطح شناخت و رشد آن‌ها در این بخش جای می‌گیرد. در مقدمه این کتاب چنین آمده است: «دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مطالعات ترجمه عربی، گروه هدف این کتاب هستند، به همین دلیل نوشتار حاضر به گونه‌ای تنظیم شده است تا به‌عنوان کتاب درسی و همچنین در مقام یک کتاب پایه، مورد استفاده پژوهشگران، اساتید و مترجمان حرفه‌ای قرار گیرد» (نک، ۱۳۹۷، مقدمه). از ویژگی‌های مهم کتاب‌های آموزشی، داشتن تمرین است. اگر بخواهیم کتاب را به‌عنوان یک منبع آموزشی برای دروس دانشگاهی رشته مترجمی زبان عربی در نظر بگیریم گنجانیدن بخش تمرین در آن ضروری است، چرا که نباید فراموش کنیم یکی از اهداف آموزش نظریه‌های ترجمه به دانشجوی، کمک به وی برای نزدیک شدن به متن و توانایی تحلیل آن در بافت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه مقصد است، در نتیجه در مواردی مشاهده می‌کنیم که مطالب کتاب حاضر حالت نسخه پیچی پیدا کرده است که نتوانسته معیارهای یادگیرنده را مورد لحاظ قرار دهد. از این رو اگر مخاطب این کتاب را دانشجویان ارشد و دکتری عربی بدانیم شاید بتوان گفت به دلیل دانش تقریباً اندک این دانشجویان با مباحث زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی فهم و هضم برخی از مباحث و نظریه‌ها بر ایشان دشوار باشد. برای نمونه نظریه هالیدی و حسن با رویکرد زبان‌شناسی قوی یا نظریه نیومارک با رویکرد فرهنگی‌اش چنین به ذهن متبادر می‌کند که ضروری است نویسندگان با یک مقدمه شناختی وارد تبیین و توضیح این نوع مطالب شوند و کار را برای این دانشجویان آسان‌تر کنند. به بیان دیگر اگر از خود پرسیم آیا محتوای کتاب با اطلاعات قبلی و پیش‌آموخته‌های آنان در مقاطع تحصیلی قبلی ارتباطی دارد؟ آیا آموخته‌ها و مطالعات قبلی آنان را تکمیل می‌کند؟ که با توضیحاتی که داده شد به نظر می‌رسد که کتاب حاضر ویژگی‌های مخاطبان را رعایت نکرده است.

جلب و حفظ توجه مخاطبان

برانگیختن توجه مخاطبان از پیش شرط‌های هر نوع یادگیری است و در اغلب فهرست‌های یادگیری جزو اولین موارد ذکر می‌شود. برای جلب توجه در پیام‌های نوشتاری می‌توان به مواردی از قبیل طول جمله‌ها، طول‌ها شکل و رنگ حروف، روش طراحی و تضاد یا کنتراست رنگ اشاره کرد. صاحب‌نظران حوزه آموزش و روان‌شناسی از این پدیده با عنوان مؤلفه خوانایی یاد کرده‌اند و نظریه خوانایی متن را ارائه داده‌اند. آنان قابلیت خوانایی را از نکات مهم در فرایند آموزش دانسته و آورده‌اند اگر متنی فاقد چنین قابلیت باشد، فراگیر مطلب را بدون درک، فقط حفظ خواهد کرد. بنابراین چنین محتوایی به سرخوردگی فراگیر و عدم اعتماد به نفس در وی منجر می‌شود (ملکی، ۱۳۸۰، ص ۶۱). درباره رعایت این مؤلفه در کتاب الگوهای ارزیابی ترجمه... بایستی گفته شود که نویسنده به خوبی می‌دانسته که این کتاب به دلیل پیشگام بودن در ارائه الگوهای ارزیابی ترجمه در کشور، نیاز به توضیح و تفهیم مؤلفه‌های الگوها با استفاده از شاهد مثال‌ها و بهره‌گیری از زبان صریح و شفاف است، اما در برخی موارد به سبب هم‌پوشانی و نزدیک بودن برخی مؤلفه‌های این الگوها از رعایت این مهم غافل شده و خوانندگان را با دشواری و عدم فهم مواجه ساخته‌اند. برای مثال در درس هفتم (ژان رنه لادمیرال)، مؤلفه‌های افزوده‌سازی و تفسیر حداقلی با هم هم‌پوشانی دارند. بنابراین بدون توضیح و بسط این مورد برای مخاطب درک تفاوت این دو بسیار دشوار خواهد بود. در ادامه این بحث مؤلفه «چیستی ترجمانی» لادمیرال را با جملاتی مبهم و ناواضح ارائه داده است. مضاف بر آنکه هیچ مثالی هم برای آن ذکر نکرده و این کار را بیش از پیش دشوارتر ساخته است. یا در ادامه همین الگو، مؤلفه «خوانایی» را آورده و توضیحات این قسمت به گونه‌ای است که با مؤلفه‌های تفسیر حداقلی و افزوده‌سازی یکی به نظر می‌رسد. ضمن اینکه عدم ذکر مثال برای آن هم بر مشکل کار افزوده است (نک: نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۹۶-۹۷). نکته دیگر اینکه نویسنده کم‌ترین مطلبی را درباره رشته‌مطالعات ترجمه که ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و به مرحله تکوین و بلوغ و پختگی رسیده، نیاورده است، زیرا رشته‌مطالعات ترجمه به‌عنوان رشته‌ای پویا و فعال در دانشگاه‌های کشور در مرحله رشد و گسترش است.

استفاده از جملات کوتاه و ساده، علی‌رغم آنکه مخاطبانش دانشجویان دکتری بوده‌اند، پاراگراف‌ها غالباً کوتاه و قابل فهم و درک‌اند و هر جا خواسته نقل قولی بیاورد

دوباره آن‌ها را با سطرهایی کوتاه‌تر از متن اصلی صفحات ذکر کرده است و این باعث شده متن اصلی و متن منقول به خوبی از هم تفکیک شود. هنر معلمی نویسنده آنجا بیشتر خودنمایی می‌کند که برای توضیح بیشتر برخی مفاهیم و اصطلاحات، با ارجاع به پاورقی، جملات و بندهای کوتاه درست شده و پیشاپیش خواننده را از خستگی رهاییده است. علاوه بر آن واژگان خاص از قبیل اسامی خاص و اشخاص را با قلم ایتالیک مشخص کرده و ظاهر متن کتاب را بسیار چشم‌نواز و زیبا ساخته است. نکته مهم در پایان این بخش اینکه دانش ترجمه و علوم مربوط بدان، دانشی پویاست و دائم در حال دگرگونی است، بنابراین کتاب حاضر با محتوای ترجمه و علوم مربوط به آن، این وظیفه مهم را بر عهده نویسنده نگارنده تا با رصد تغییرات دانش مربوطه، آن را در مقاطع زمانی مختلف از لحاظ ساختاری و محتوایی بازنویسی کنند و بتوانند با حفظ مخاطبان، نیازهای آنان را پاسخ دهند. در غیر این صورت کتاب حاضر از طراوت و خاصیت نوبودگی ساقط خواهد شد.

ایجاد فرصت تأمل و درک مطلب برای خوانندگان

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد کتاب دانشگاهی ماهیتی آموزشی دارد و قرار است دانش، تخصص یا مهارت مشخصی را به خواننده بیاموزد یا او را به پیگیری موضوع تشویق کند. بنابراین لحن و شیوه بیان نویسنده باید تا آنجا که ممکن است با نظریه‌های یادگیری و توصیه‌های علمی این نظریه‌ها همخوانی داشته باشد. مثلاً آیا نویسنده به پرسش‌های پرتکرار خوانندگان اندیشیده است؟ تا چه میزان مخاطب اصلی بدون نیاز به کمک می‌تواند مطالب کتاب را درک کند؟ آیا تمرین‌های عملی و مسائلی برای تفکر در کتاب موجود است؟ و آیا برای آشنایی مخاطبان با مفاهیم در پایان اثر واژگان تخصصی تعریف شده‌اند؟ (منصوریان، ۱۳۹۲، ص ۱۴). به عبارتی بهتر بایستی دید آیا نویسنده به فکر ایجاد فرصت تأمل و درک مطلب برای مخاطب بوده است؟... مؤلف باید این کار را با طرح نکات و سؤالات چالش‌برانگیز برای مخاطبان و ایجاد شرایط تأمل نقادانه و شرح و بسط بیشتر، زمینه را برای یادگیری مخاطبان فراهم کند.

نویسنده مقاله حاضر معتقد است در صورتی که مؤلف یک اثر، خود مدرس و معلم در زمینه موضوعی خاص باشد و بخواهد دست به تألیف بزند، اثر وی به سبب تجربه و آشنایی با کلیات موضوع و نیازهای مخاطبان، به احتمال زیاد، اثری قابل قبول از لحاظ بُعد

آموزشی خواهد بود. اگر نگاهی به سابقه تحصیلی و آموزشی نگارنده کتاب حاضر بیندازیم، خواهیم دید که وی هم سابقه تحصیلاتی و هم سابقه تألیف و پژوهش در زمینه مباحث زبان‌شناسی را دارد و تسلط وی به این حوزه کاملاً مشهود است. در لابه‌لای مباحث و فصول کتاب می‌بینیم که مؤلف با نیاز مخاطبان به‌طور کامل آشنا بوده و در توضیح مؤلفه‌های نظریات ترجمه، مثال‌هایی را ذکر می‌کند و این مثال‌ها برای دانشجویان به الگویی تبدیل می‌شوند و می‌توانند این مؤلفه‌ها را در مورد متون دیگر هم به کار گیرند، اما نبایستی از این مهم نیز غافل شد که با ملاحظه رویکرد آموزشی کتاب به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد حضور خود نویسندگان در کتاب تا حدود زیادی کم‌رنگ است. غالباً آنان به نقل سخنان و نظریات دیگران بسنده کرده و کم‌تر به نقد این نظریات و دیدگاه‌ها پرداخته‌اند؛ انتظار می‌رفت این روش، روش غالب در کتاب باشد. البته پیشنهاد می‌شود که چنانچه مؤلف موضوع و تحلیل برخی نظریات ترجمه را درباره یک متن، به‌عنوان تکلیف در پایان هر مبحث برای دانشجویان مطرح می‌کرد ارزش اطلاعاتی و تحلیلی کتاب نیز بیش‌ازپیش می‌شد و بار تحلیلی و معلوماتی آن تقویت می‌شد.

انسجام محتوایی مطالب

منظور از محتوا، مجموعه مفاهیم، اصول، مهارت‌ها، ارزش‌ها، انتخاب و سازماندهی مطالب آن است (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۵۴). بدین سبب ضروری است با اهداف، تناسب داشته باشد. آنچه باعث می‌شود مخاطب با خواندن یک کتاب بتواند سیر طبیعی و پیوسته کلام نویسنده را در آن ببیند و موضوع را دنبال کند همان انسجام و پیوستگی مطالب با هم است. از جمله عواملی که می‌تواند انسجام و تسلسل منطقی و سیر مطالب را به خطر اندازد شاخ و برگ دادن به یک موضوع و بازماندن از توضیح موضوعات دیگر به شکل کامل است (رحمانی و ظفرآبادی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۶). در نقد ترجمه باید مواردی از قبیل نوع متن، گونه کاربردی، راهبردهای ترجمه، خواننده و نقش وی را مطابق با فرایند ترجمه در نظر گرفت. درحقیقت نظریه ترجمه به منتقد کمک می‌کند تا بخشی از متن را انتخاب و مطابق با عناصر موردنظر در ترجمه بررسی کند (سلیمی بنی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۲۰). بنابراین در نگارش یک متن علمی دو مؤلفه انسجام و یک‌دستی از اهمیتی ویژه برخوردار است و باید پیوند منطقی میان اجزای خرد و کلان یک متن برقرار باشد. به‌نحوی که خواننده بتواند

سیر طبیعی و پیوسته کلام نویسنده را در آن ببیند و موضوع را دنبال کند. به این ترتیب انسجام می‌تواند میان جمله‌های یک پاراگراف، میان پاراگراف‌های یک فصل یا میان فصول یک کتاب باشد (منصوریان، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

رعایت انسجام محتوایی کتاب را می‌توان از دو منظر ارزیابی کرد: ۱. انسجام درون‌فصلی. ۲. انسجام بین‌فصلی.

انسجام درون‌فصلی در این کتاب به‌خوبی مورد توجه نویسندگان بوده و مؤلفه‌های هر کدام از نظریه ترجمه‌ای به‌خوبی رعایت شده و مقدار توضیحاتی که ذیل هر کدام از مؤلفه‌های الگوها آمده است کافی و بسنده است. هر چند برای تفهیم بهتر برخی مؤلفه‌ها، شاهد مثال ذکر نشده و این خواننده را با مشکل مواجه می‌کند، برای مثال: مؤلفه آنتروپی در صفحه ۹۳، چستی ترجمانی و خوانایی در صفحه ۹۷، ترادف و معادل فرهنگی در صفحات ۱۰۲ و ۱۰۳، دگرگون‌سازی در صفحه ۱۰۴، دیگرنوشت و کاهش و بسط در صفحه ۱۰۶، جبران در صفحه ۱۳۳ نیاز به آوردن شاهد مثال دارند.

در مورد انسجام بین فصل‌های این کتاب باید بررسییم آیا می‌توان گفت هر فصل این کتاب، استمرار منطقی فصول قبلی است؟ و آیا نویسنده توانسته ارتباط بین فصل‌های مختلف کتاب را به خوانندگان نشان دهد؟ جواب این سؤال منفی است. به نظر می‌رسد نویسنده در انتخاب الگوهای ترجمه، روش خاصی نداشته و تنها به دلیل آشنایی قبلی، این الگوها را انتخاب و در این اثر خود گنجانده است. به‌طوری که می‌توان ادعا کرد اگر فصلی از فصل‌های آن را حذف کنیم خللی به ساختار و محتوای کتاب وارد نمی‌شود؛ چراکه هر کدام از فصول، متکی بر خود و مستقل‌اند و مؤلف در ابتدای هر فصل بدون مقدمه مستقیماً وارد بحث درباره خود الگوهای ارزیابی شده است و از ارتباط، تفاوت، تشابه، کارکردها، اهداف و نتایج آن‌ها بحثی به میان نیاورده است. یا برای مثال انتظار می‌رفت که نویسندگان محترم با تعریف ترجمه، مترجم و امانداری به رابطه علوم دیگر با نظریات ترجمه پردازند، سپس انواع ترجمه، بررسی تاریخچه نظریات ترجمه و برخی از معروف‌ترین نظریات ترجمه را بررسی می‌کردند و در ادامه نظریات ترجمه در مقاله اجرا و کاربرد، بررسی و سختی‌های مختلف عمل ترجمه و شرایط مترجم بیان شود. بنابراین به نظر می‌رسد گنجانیدن بخشی تحت عنوان زمینه‌های پیدایش و رویکردهای نظری الگوهای یادشده در کتاب بتواند در تقویت انسجام محتوایی کتاب بسیار اثرگذار باشد.

میزان مطابقت محتوای علمی کتاب با مبانی و اصول اسلامی

فحوای کتب درسی دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران، اهمیت فراوانی در اسلامی سازی دانشگاه ها و عملیاتی سازی اهداف دست اندرکاران امور آموزشی، پژوهشی و فرهنگی دارد. محتوای کتاب حاضر نیز بررسی نظریات ارزیابی ترجمه است. این کتاب می تواند کمک شایانی به بررسی و سنجش ترجمه های قرآن و متون اسلامی از منظر علمی کند و از این طریق در تقویت اطلاعات دینی و قرآنی علاقه مندان علوم اسلامی مفید باشد. پیشگامی کتاب در حوزه موضوعی خود در کشورمان توانسته جای خود را در میان ترجمه پژوهان و مدرسان ترجمه پیدا کند، اما بهتر بود به تناسب عنوان انتخاب شده بر آن، نظریه های ترجمه بیشتری بررسی می شد و این روش می توانست اطلاعات خوانندگان را در حوزه ترجمه، بیش از پیش نمایان سازد.

نقد کتاب از منظر مطالعات ترجمه ای

کتاب حاضر با گردآوری برخی نظریه های ارزیابی ترجمه، تلاش کرده تا به عنوان یک منبع درسی، دانشجویان مطالعات ترجمه زبان عربی را در زمینه ارزیابی کیفیت ترجمه ها، یاری کند. نویسنده مقاله حاضر معتقد است کتاب حاضر از منظر مباحث زبان شناختی و مطالعات ترجمه نیز قابل بحث و بررسی است. اما به فراخور رعایت هدف مقاله حاضر نقد آن از لحاظ مباحث زبان شناختی را به مقاله ای دیگر محول می کند و تنها از لحاظ مطالعات ترجمه، سطور را رقم خواهد زد.

آنچه با مطالعه این کتاب از منظر مطالعات ترجمه به دست می دهد اینکه نویسندگان کتاب به آموزش روش های ترجمه قبل از ارائه الگوهای نقد، توجه کافی مبذول نداشته اند. به عبارت دیگر، به این مهم که هر الگویی در این کتاب برای ارزیابی ترجمه چه نوع متنی کاربردی تر و راه گشایتر است. مثلاً روش ترجمه صوری و پویا را یوجین نایدا در نظریه خود ارائه داده و درباره ترجمه انجیل آن را توضیح داده است. در روش پویا، ترجمه همان تأثیر متن اصلی را بر خواننده می گذارد؛ از استفاده واژگان فرهنگی نامأنوس خودداری می کند و در روش صوری، متن اصلی را به زبان مقصد منتقل می کند و این روش بهترین روش برای ترجمه متون دینی و متونی که مترجم مایل نیست شیوه بیان نویسنده را تغییر دهد به شمار می رود. به عبارتی دیگر نویسندگان کتاب، در ذکر شاهد مثال هایی که برای

تیین مؤلفه‌های الگوهای ارزیابی ترجمه‌ها، وحدت رویه نداشته و به صورت تصادفی عمل کرده‌اند. حال آنکه لازم بود مبتنی با هر الگو و روش ترجمه متناسب با آن، شاهد مثال از متن متناسب با آن الگو ذکر می‌شد.

رویه یادشده در پاراگراف قبلی، در الگوهای دیگر هم ادامه دارد؛ همان‌طور که می‌دانیم روش ارتباطی و معنایی از دیگر انواع روش‌های ترجمه است که توسط پیتر نیومارک به کار رفته است. در این روش هدف اصلی، ارتباط مترجم با خواننده است. صورت متن اصلی با در نظر گرفتن قواعد نحوی و معنایی زبان مقصد حفظ می‌شود و برای ترجمه متون ادبی به کار می‌رود؛ لذا ارزیابی کیفیت ترجمه‌های ادبی با الگوی نیومارک بهتر و کاربردی‌تر خواهد بود و نتیجه بهتری به دست خواهد داد. یا برای مثال در فصل نهم که الگوی جولیان هاوس را توضیح داده، نویسنده کتاب اشاره‌ای به روش ترجمه آشکار و پنهان که وی به کار برده، نکرده است. همان‌طور که می‌دانیم در روش پنهان، ترجمه‌ای مدنظر است که اصیل جلوه کند. جولیان هاوس معتقد بود که آگهی‌های تجاری و متون مطبوعاتی با این روش بهتر ترجمه می‌شود و در روش آشکار، زبان اصلی از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است. او این روش را برای ترجمه خطبه‌های مذهبی و سخنرانی‌های سیاسی و برخی متون ادبی بسیار مناسب می‌داند. بنابراین با ملاحظه این رویکرد انتظار می‌رفت که نویسندگان کتاب در تبیین الگوی هاوس شاهد مثال‌هایی از متون سیاسی و خطبه‌های مذهبی می‌آوردند. مورد آخر اینکه در فصل الگوی کاترینا رایس، سخنی از روش محض و انتقال که مورد تأیید وی بوده به میان نیامده است. در روش محض، مخاطب یا نقش متن در مقصد عوض نمی‌شود و متن بدون توضیح یا پانویس و انواع تغییر بیان از زبانی ساده و قابل فهم برخوردار نمی‌شود. در روش انتقال، مترجم از مرزها و محدودیت‌های زبانی و فرهنگی فراتر می‌رود تا بتواند ترجمه‌ای ارائه کند که در فرهنگ مقصد، نقشی مشابه نقش متن اصلی در فرهنگ مبدأ داشته باشد.

بررسی میزان مطابقت اثر با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم و کاربرد اثر در

برنامه آموزشی

اصولاً تدوین کتاب درسی بر مبنای برنامه درسی صورت می‌پذیرد. برنامه درسی اساس تدوین کتاب درسی و معیار کارآمدی و اثربخشی آن است. بهترین کتاب درسی کتابی

است که به بهترین وجه ممکن بتواند اهداف برنامه درسی را محقق سازد. بنابراین نویسنده باید دقیقاً مشخص کند که کتاب درسی مورد نظر مربوط به کدام برنامه درسی است (بختیاری، ۱۳۹۱، ص ۴۷). طبق اظهار نویسندگان کتاب، اثر حاضر یک کتاب درسی است و برای دانشجویان رشته‌های مطالعات ترجمه زبان عربی به ارزش دو واحد تألیف شده است (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۷، ص مقدمه). در مقاطع سه گانه رشته مترجمی زبان عربی درس «فن ترجمه و نظریه‌های آن» برای دوره کارشناسی برنامه‌ریزی شده که سرفصل آن بدین قرار است: ۱) پیشینه ترجمه میان عربی و فارسی؛ ۲) تعریف لغوی و اصطلاحی ترجمه؛ ۳) انواع ترجمه و شیوه‌های آن؛ ۴) و ترجمه معادله‌ای اسما، صفات، قیدها، حروف و افعال فارسی و عربی؛ ۵. آشنایی با لغت‌نامه‌های یک‌زبان و دوزبان عربی و فارسی؛ ۶) ترجمه معادله‌ای جمله‌های فارسی و عربی؛ ۷) تمرین ترجمه متون ساده عربی و فارسی (سرفصل دوره کارشناسی مترجمی عربی، ۱۳۹۱، ص ۱۸).

برای دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی درس «ارزیابی ترجمه» طراحی شده که سرفصل آن هم بدین قرار است: ۱) انواع ترجمه؛ ۲) انواع متن؛ ۳) عوامل مؤثر بر ترجمه از قبیل بافت، ایدئولوژی، جنسیت؛ ۴) فرایند انتقال معنا از متن مبدأ به متن مقصد؛ ۵) نظریه اسکوپوس، پیش‌نیازها: بررسی تعادل ترجمه‌ای از منظر مونا بیکر، الگوی تحلیل انسجامی مایکل هالیدی و رقیه حسن، الگوی پیترو نیومارک، الگوی انتوان برمن، الگوی باسل حاتم وایان میسون، الگوی جولیان هاوس، الگوی کارمن گارسس، نورمن فرکلایف و الگوی هربرت پل گرایس (سرفصل کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، ۱۳۹۵، ص ۴۲).

همچنین برای دوره دکتری مطالعات ترجمه زبان عربی درس «نظریه‌های نقد ترجمه» ارائه می‌شود که در سرفصل این درس چنین آمده است: «تعریف حوزه‌های مهم نقد در ترجمه‌های چاپ شده از متون ادبی و فلسفی، بررسی دقیق و منتقدانه پیشرفت‌های اخیر در مطالعات ترجمه از جهات گوناگون به منظور استخراج معیارهای نقد ترجمه، پرورش مهارت و تخصص در گسترش استراتژی‌های متفاوت برای نقد ترجمه متون ادبی و مفهومی، ارزش‌یابی ترجمه، اصول و روش‌های ارزیابی متون در ترجمه و تبیین اصول در روش‌های ترجمه متون حوزه‌های مختلف که نقد ترجمه و مدل‌های ارزیابی کیفی در ترجمه متون کاربردی را دربرمی‌گیرد (سرفصل دوره دکتری مطالعات ترجمه عربی، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

بنابراین با نگاهی ساده معلوم می‌شود که با توجه به محتوای کتاب مورد بررسی، بتوان آن را منبع خوبی برای دوره کارشناسی ارشد در نظر گرفت و تا حدود زیادی سرفصل درس این دوره را تحت پوشش قرار می‌دهد.

پیشنهادات

پیشنهاد می‌شود در صورت معرفی کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، نویسندگان تعداد بیشتری از نظریه‌های ترجمه را در آن مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. ضمناً حضور مؤلف در متن بیشتر شود و صرفاً به ارجاعات و استنادات از منابع اکتفا نکند، زیرا این کار باعث شده تعداد زیادی از مباحث به صورت مبهم و غیر قابل فهم باقی بماند. به نظر می‌رسد حضور کم مؤلف در متن عامل اصلی این مشکل است، به ویژه آنجا که مثال هم نیاورده‌اند این آسیب بیشتر به چشم می‌آید.

بحث و نتیجه گیری

همگان می‌دانیم که ارزیابی ترجمه و صرفاً پرداختن به درستی یا نادرستی ترجمه جمله‌ای یا عبارتی از یک متن آن گونه که بایسته است نمی‌تواند به حل مسئله منجر شود. صاحب نظران حوزه ترجمه معتقدند ارزیابی ترجمه موضوعی گفتمانی است و باید با اتکا به مباحث زبان شناختی و نظریات علمی هر ترجمه‌ای را با رویکرد خاصی توجیه کرد. این مطلب با موضوع هر متن اعم از دینی، شعر، متون تعلیمی و... اثبات می‌شود. کتابی که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت با توجه به همین موضوع بر آن بوده است در ارزیابی و بررسی ترجمه‌ها، برخی از نتایج تحقیقات زبان شناختی را به همراه نمونه‌ها ارائه دهد و گامی در راستای ترجمه پژوهی بردارد. اما به هر حال هر اثری که ساخته دست انسان باشد می‌تواند دارای نکات قوت و ضعفی هم باشد که در این جستار به آن‌ها پرداخته شد. کتاب حاضر دارای نکات ضعفی از جمله: طرح جلد قابل بررسی مجدد، عدم پوشش جامع موضوعی، انسجام ضعیف محتوایی، عدم وحدت رویه در پرداخت برخی موضوعات و نیز صفحه‌آرایی ضعیف است. از منظر مطالعات ترجمه نیز بی‌توجهی نویسندگان به مباحث نظری ترجمه و ارتباط عوامل ترجمه با همدیگر، عدم اشاره به اینکه هر نظریه‌ای متناسب با چه نقد ترجمه و چه نوع متنی است، قابل ذکرند. نداشتن تمرین را هم در پایان هر مبحث

به لحاظ بُعد آموزشی کتاب می‌توان از دیگر نقاط ضعف کتاب برشمرد. در عین حال دارای نکات قوتی به شرح زیر است: جنبه آموزشی قوی، توان استنادی و رعایت امانت‌داری در ارجاعات و منابع معتبر، روزآمدی و انسجام محتوایی و نظم منطقی قابل قبول مطالب و توجه به نیازهای آموزشی مخاطبان است.

منابع

- ابن فارس زکریا، آ. (۱۳۶۶ ق). ترتیب مقایس اللغه. تحقیق ع. محمد هارون. بیروت: دارالفکر.
- بختیاری، ح. (۱۳۹۱). الگوی طرح تألیف کتاب. فصلنامه مدیریت آموزش انتظامی، ۲۰، ۴۱-۶۷.
- حری، ع. (۱۳۸۵). آیین نگارش علمی. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- خاکی، غ.ر. (۱۳۹۰). روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی. تهران: بازتاب.
- رحمانی، ع.، و ظفرآبادی، ح. (۱۴۰۰). ارزیابی و نقد کیفیت کتاب صرف و نحو عربی عباس ماهیار. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۴۸، ۱۶۰-۱۸۳.
- رضی، ا. (۱۳۸۸). شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی. سخن سمت، ۲۱، ۲۱-۳۰.
- زارع برمی، م. (۱۴۰۰). نگاه انتقادی به ساختار و محتوای کتاب «ادب المقاومة». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲، ۹۷-۱۲۱.
- سلیمی بنی، ش.، حیدری تبریزی، ح.، و روحی، ا. (۱۳۹۸). آموزش نقد ترجمه در دوره کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه: انتظارات دانشجویان و محتوای واحد درسی. نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۴۴، ۱۱۸-۱۳۸.
- سرفصل ابلاغی مصوب وزارت علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲). کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث.
- طیب حسینی، س.م. (۱۳۹۶). درآمدی بر دانش مفردات. ویراست دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتوحی، م. (۱۳۹۱). آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی. تهران: سخن.
- قاسمی، ح.، کشتگر، س.، و ایزدپرست، ل. (۱۳۹۴). روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب. تهران: جامعه‌شناسان.
- معروفی، ی.، و یوسف‌زاده، م.ر. (۱۳۹۴). تحلیل محتوا در علوم انسانی. همدان: سپهر دانش.
- ملکی، ح. (۱۳۸۴). شیوه طراحی و تألیف کتب درسی. سخن سمت، ۱۵، ۹-۲۴.
- منصوریان، ی. (۱۳۹۲). صد ویژگی کتاب‌های درسی دانشگاهی اثر بخش و کارآمد. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۹، ۱-۱۷.
- نیازی، ش.، و قاسمی اصل، ز. (۱۳۹۷). الگوهای ارزیابی ترجمه (باتکیه بر زبان عربی). تهران: سمت.
- نیلی احمدآبادی، م.ر.، و دانا، ع. (۱۳۹۶). جستاری بر ابعاد و مؤلفه‌های ارزیابی نقادانه. کتب درسی دانشگاهی، ۷، ۲۱۹-۲۳۳.